

Investigating Presupposition of Man's Ontological Dignity on Prohibition of Abortion

Assadullah Kord-Firoozjahi *

Abstract:

The earliest stage of human creation is embryo which has its own levels. When the Fetus is ensouled, the perfect human is created. The Fetus in all these levels enjoys an anthropological dignity that prohibits its abortion. Thus importance of this article is enhancing knowledge on this subject. The problem stated in the present study is that some people, in spite of holding belief in innate dignity and value of Man, abort the fetus, seemingly they do not consider the fetus among human. This can violate Man's ontological dignity and result in rebellion against act of God. This research is an attempt to answer this question that how presupposition on Man's ontological dignity and humanization of fetus contradicts abortion. This hypothesis is formulated that when fetus is ensouled it is proved human and therefore abortion opposes the dignity that is endowed by act of God. This article has used library instruments and descriptive-analytical method to Investigate presupposition of Man's ontological dignity on prohibition of abortion. It is concluded that fetus in earliest stage enjoys soul and in each state of development possesses some human quality and therefore its abortion or failing to keep it in custody, is in contrast with Man's Godly-endowed ontological dignity.

Keyword:

Abortion, Dignity, Human, Soul, Right of Life.



* Assistant Professor of Islamic Theology, Imam Sadiq's Research Institute for Islamic Science

■ Kord-Firoozjahi, A (2020). Investigating Presupposition of Man's Ontological Dignity on Prohibition of Abortion. *Religious Anthropology*, 17 (44) 201-212

DOI: 10.22034/ra.2021.118070.2435

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
انسان پژوهی رای

قم، بلوار غدیر، بعد از دانشگاه قم
مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره)
معاونت پژوهش، دفتر نشریات
کد پستی: ۳۷۱۶۱۴۶۷۳۳
Web: www.raj.smc.ac.ir
E-Mail: ensanpajoohi@gmail.com
تلفن: ۰۲۵ - ۳۱۱۲۴۴۲۴

واکاوی پیش‌انگاره کرامت هستی‌شناختی انسان

بر حرمت سقط جنین با رویکرد کلامی

اسداله کرد فیروزجایی*

چکیده

اولین مرحله خلقت انسان با جنین آغاز می‌شود و جنین خود دارای مراتب است و مرتبه اعلایش ولوج روح است که در آن مرتبه انسان به طور کامل شکل می‌گیرد. جنین در همه مراتب، کرامت هستی‌شناختی دارد که موجب حرمت سقط آن می‌شود. برخی با باور به اینکه انسان دارای کرامت و ارزش ذاتی است، اما بدون مجوز دست به سقط جنین می‌زنند و گویا جنین را از جنس انسان نمی‌دانند. این می‌تواند موجب نقض کرامت هستی‌شناختی انسان شود که برآیندش ایستادگی در مقابل فعل خدا است. پرسش این است که: انسان‌انگاری جنین چگونه ممکن است و پیش‌انگاره کرامت هستی‌شناختی انسان چگونه با سقط جنین در تناقض است؟ برخورداری جنین از نفس، برآیندش اثبات انسان بودن او است و سقط جنین در تقابل با کرامتی است که از فعل خدا است. این مقاله با ابزار کتاب‌خانه‌ای و روش توصیفی تحلیلی پیش‌انگاره کرامت هستی‌شناختی انسان بر حرمت سقط جنین را می‌کاود و به این نتیجه می‌رسد که جنین از ابتدا همواره همراه با نفس بوده و هر مرتبه‌اش حظی از انسانیت دارد و هر چیزی که حظی از انسان داشته باشد از بین بردنش یا محافظت نکردن از آن با کرامت هستی‌شناختی‌ای که خدا به آن داده است در تناقض است.

کلیدواژه‌ها: سقط جنین، کرامت، انسان، نفس، حق حیات.

* استادیار فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع) (akf474@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۵

مقدمه

یکی از مسائل مهم و بحث‌برانگیز در حوزه اخلاق زیستی، مسئله سقط جنین است. این عمل می‌تواند هم در جنین‌های ناهنجار و ناقص اتفاق بیفتد، بدین معنا که جنینی ناقص باشد و حامل آن به منظور اینکه فرزند معلولی به دنیا نیاورد، آن را با اختیار سقط می‌کند؛ و هم در جنین‌های بهنجار، طبیعی و برخوردار از وضعیت مساعد.

هم‌اکنون سقط جنین کم و بیش در اثر عوامل مختلف در جوامع انسانی اتفاق می‌افتد؛ در صورتی که این عمل اگر با مجوز شرع انجام نشود، افزون بر ناهمگون بودن با کرامت ارزش‌شناختی انسان، با کرامت هستی‌شناختی انسان نیز ناسازگار است و ارزش ذاتی انسان را تهدید می‌کند. از این جهت، پژوهش درباره «واکاوی پیش‌انگاره کرامت هستی‌شناختی انسان بر حرمت سقط جنین» از حیث معرفت‌افزایی برای همگان، به‌ویژه جویندگان حقیقت، اهمیت جدی دارد.

مسئله این پژوهش می‌تواند در عرصه‌های مختلف از جمله فقهی‌حقوقی، اخلاقی و مانند آن بررسی شود، هرچند افزون بر عرصه‌های یادشده، می‌تواند در عرصه کلامی و الاهیاتی نیز کاویده شود؛ زیرا جنین از حیث دمیده‌شدن روح در آن، می‌تواند از شرایط انسان مستقل برخوردار باشد و هر انسانی نیز از حیث انسان‌بودن ارزش و کرامت هستی‌شناختی و ذاتی دارد و این نوع کرامت را خدا به انسان ارزانی داشته و از افعال خدا محسوب می‌شود. بنابراین، از این حیث کرامت هستی‌شناختی از مسائل کلامی است و با سقط جنین حق حیاتی که از لوازم کرامت هستی‌شناختی انسان است و نعمت‌های خدا تلقی می‌شود از او سلب می‌گردد. اگرچه استقلال‌نداشتن جنین و وابسته‌بودنش به بدن مادر تا قبل از تولد انگاره‌ای است که در برخی از کشورهای غربی مطرح است (لاریجانی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۱۱؛ ویسیک، ۱۳۷۳: ۳۲). اما اسلام با رد آن بر استقلال جنین انسان، حتی در شکم مادر، تأکید می‌کند (جبعی عاملی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۲۲؛ جناتی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۲۳۸) و آن را از حیث انسان‌بودن دارای کرامت هستی‌شناختی می‌داند. از همین جهت سقط جنین در شرع مقدس، از حیث تکلیفی، حرام شمرده شده و مرتکبان و عاملانش، از حیث وضعی، به پرداخت دیه ملزم شده‌اند. با این اوصاف، می‌توان دریافت که کرامت ذاتی از مبانی و پیش‌انگاره‌های کلامی حرمت سقط جنین محسوب می‌شود و بدین معنا است که اصل و بنیان حرمت سقط جنین و لزوم دیه برای عاملان و مرتکبان، و البته با رویکرد کلامی، به سبب وجود

کرامتی است که خدا به جنین، از حیث اینکه دارای نفس است و می‌تواند انسان باشد و از کمالات انسان برخوردار شود، عطا کرده است. با توجه به تحقیقاتی که در این موضوع انجام پذیرفته، پژوهش مستقلی با موضوع «پیش‌انگاره کرامت هستی‌شناختی انسان بر حرمت سقط جنین» دیده نشد. البته پژوهش‌هایی مرتبط با این عنوان انجام شده که نویسنده این مقاله از هر یک از آنها بهره برده است (نک: شیروی، ۱۳۸۹؛ علی‌زاده و غریبی، ۱۳۹۷؛ لاریجانی و دیگران، ۱۳۹۳). اما هیچ یک از آنها درباره نقش کرامت هستی‌شناسی در حرمت سقط جنین بحث نکرده‌اند. از این‌رو، در این مقاله می‌کوشیم ابتدا انسان‌بودن جنین را بررسی کنیم و سپس به اهمیت نقش کرامت هستی‌شناختی انسان در منع سقط جنین و دقت در نگه‌داری آن بپردازیم.

۱. چارچوب‌های مفهومی

به منظور فهم داده‌ها و دست‌یابی به نتیجه دقیق و مبرهن لازم است تعابیر «جنین»، «سقط جنین» و «کرامت» مفهوم‌شناسی شود.

الف. جنین

در لغت به هر چیز پوشیده‌ای جنین اطلاق می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۹۴؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱، ج ۷: ۲۱۴). به عبارتی فرزند تا زمانی که در شکم مادرش قرار داشته باشد به آن «جنین» می‌گویند (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵: ۲۰۹۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۰۴)، چنان‌که فاضل مقداد می‌نویسد: «والجنین مستتر فی بطن أمه و لذلک لا یسمی جنینا بعد خروجه من بطن أمه» (سیوری، ۱۴۰۵، ج ۴: ۲۷)؛ «جنین پوشیده‌شده در شکم مادرش است. وقتی از شکم مادر بیرون آمد دیگر جنین نامیده نمی‌شود». اما در اصطلاح فقهی و حقوقی، «جنین» مترادف با «حَمْل» است (حلی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۳۲۶؛ مدکور، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۴-۳۵). منظور از «جنین» در اینجا همان انسان بالقوه است که با پشت سر گذاشتن مراتب، روح در آن دمیده می‌شود و به انسان بالفعل تبدیل می‌گردد.

ب. سقط

«سقط» به معنای افکندن و انداختن است. بنابراین، «سقط جنین» یعنی جنین‌افکندن و بچه‌انداختن، چنان‌که فراهیدی می‌نویسد: «الولد المُسْقَطُ» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۷۱). یعنی فرزندی که افتاده است؛ و در عبارت دیگری آمده است: «سَقَطَ الجنینُ من بطن أمه»، یعنی «نزل قبل تمامه»

حیدری، ۱۳۸۱: ۳۴۰). از این‌رو، وقتی گفته می‌شود جنین از شکم مادرش افتاده یعنی قبل از کامل‌شدن و رسیدن زمان تولدش افتاده است و حکم تکلیفی سقط جنین عمدی در شرع مقدس اسلام حرام است. بنابراین، منظور از «سقط جنین» در این تحقیق عبارت است از اینکه جنین به دست مادر یا هر انسان دیگری سقط شود و بیفتد.

ج. کرامت

کلمه «کرامت» از جمله واژگانی است که در لغت معادل مستقل فارسی ندارد، اگرچه به «ارجمندی» و «بزرگی» معنا می‌شود (عمید، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۶۶۲). اما می‌توان گفت کلمه جامعی است که همه خیرات و فضیلت‌ها را در بر می‌گیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۰۷؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۱۵۳-۱۵۲). «کرامت» ضد «هوان» به معنای پستی و ذلت است (ابن‌درید، ۱۹۸۸، ج ۲: ۹۹۶)، چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ يَهِنُ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ؛ هر کسی را که خدا او را پست سازد هیچ کس او را بزرگ نخواهد داشت» (حج: ۱۸). «کرامت» به قدر و منزلت نیز معنا شده است. چنان‌که در *لسان‌العرب* آمده است: «والكِرَامَةُ الطَّبَقُ الَّذِي يُوَضَعُ عَلَى رَأْسِ الْحَبِّ وَالْقَدْرُ» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۵۱۵). اما در اصطلاح به معنای شرافت، حیثیت، فضیلت، اعتبار، استحقاق احترام و منزلت و مقام است که به دو قسم ارزش‌شناختی و هستی‌شناختی تقسیم می‌شود. قسم اول یعنی ارزش‌شناختی محل بحث این مقاله نیست، اما قسم دوم بدین معنا است که انسان از لحاظ هستی‌شناختی و به لحاظ انسان‌بودن و بدون هر قید دیگری ارزشی ذاتی دارد که این ارزش ذاتی نه قابل اکتساب است و نه قابل انهدام؛ این ارزش را خدا به انسان داده و از افعال او محسوب می‌شود که با واژه «کرامت» و معادل‌هایش نشان داده می‌شود. چنانچه طباطبایی این نوع کرامت را بیان حال جنس بشر می‌داند، خواه مشرک باشند با کفار یا مانند آن (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳: ۱۵۵). منظور از کرامت جنین انسان در این تحقیق آن است که جنین، انسان بالقوه است و دارای بهره وجودی انسان است و از این جهت سقطش با کرامت همخوانی ندارد و در تناقض است.

۲. انسان‌انگاری جنین

اگر بخواهیم کرامت و ارزش انسانی را به جنین انسان سرایت دهیم و معتقد باشیم که جنین انسان مانند خود انسان کرامت دارد، باید به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که: آیا جنین انسان دارای

حیات انسانی است؟ در صورت برخورداری از حیات انسان، آیا از ویژگی‌های انسان برخوردار است؟ یا اگر می‌خواهد به انسال کامل و بالفعل تبدیل شود چه مراتبی را باید طی کند؟ در پاسخ به این پرسش‌ها باید نکاتی را تبیین کنیم.

الف. حیات جنین

آیا جنین دارای حیات انسانی است و از چه زمانی حق حیات پیدا می‌کند؟ در پاسخ به این پرسش دو نظریه وجود دارد:

نظریه اول: برخی معتقدند جنین از ابتدا حیات ندارد و زمانی که روح در آن دمیده شد حیات می‌یابد. این نظریه مشابه نظریه‌ای منتسب به برخی از غربی‌ها است که به مستقل‌نبودن جنین تا قبل از ولوج روح معتقدند و گویا جنین تا قبل از ولوج روح هیچ استقلالی ندارد و جزء بدن مادر محسوب می‌شود (لاریجانی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۱۱؛ ویسیک، ۱۳۷۳: ۳۲). این دسته راجع به دیه‌ای که برای سقط جنین قبل از ولوج روح در نظر گرفته شده معتقدند به سبب حیات جنین نیست، بلکه به منظور ایجاد احترام برای نطفه به دلیل لانه‌گزینی در رحم و آغاز سیر تکاملی شکل‌گیری جنین است (شیروی، ۱۳۸۹: ۱۵۰). برآیند این دیدگاه آن است که حیات انسان با انعقاد نطفه آغاز نمی‌شود (پرپور، ۱۳۷۸: ۱۷۷) بلکه بعد از ولوج روح آغاز می‌شود.

نظریه دوم: این نظریه به حکما و الهی‌دانان مسلمان منتسب است. آنها معتقدند جنین از ابتدای انعقاد نطفه در رحم مادر، حیات دارد؛ زیرا نطفه منعقدشده دارای نفس است و هر موجود دارای نفس، حیات دارد و نفس با وجود شرایط در بدن جنین، می‌تواند آن را تدبیر کند. با این فرض علت ناتوانی تدبیر نفس نسبت به جنین، خود نفس نیست، بلکه فقدان شرایط اندامی جنین است که ابتدا فاقد آنها است (ابن‌سینا، ۱۳۷۱: ۵۲-۵۴؛ سهروردی، ۱۳۷۳: ۴۲۱)؛ زیرا بدنه جنین از نظر شکلی هنوز به مرحله‌ای نرسیده است که بتواند فرمان نفس را انجام دهد. ملاصدرا نیز بر اساس حرکت جوهری معتقد است نفس انسان ابتدا نباتی است (اگرچه از سایر نباتات متمایز است) و سپس حیوانی می‌شود و با حرکت جوهری به تجرد می‌رسد و قابلیت درک کلیات را پیدا می‌کند. جنین قبل از رسیدن به مقام تجرد، حیوانی است و به دلیل قابلیت انسان‌شدن، از حیوانات دیگر نیز متمایز است. زیرا در حیوانات دیگر قوه و استعداد انسان‌شدن وجود ندارد. با حرکت جوهری،

قوه به کمال تبدیل می‌شود. لذا سقط آن در این مرحله (مرحله حیوانی) نیز اخلاقاً نادرست است. زیرا جنین در این مرحله نیز ارزش ذاتی و هستی‌شناختی دارد، حتی اگر نفسش به مرحله تجرد نرسیده باشد (صدرالدین شیرازی، بی‌تا الف: ۵۵۳-۵۵۵؛ همو، بی‌تا ب: ۲۱۵-۲۱۶).

با رجوع به فتاوی فقها نیز می‌توان همین نظریه را استنتاج کرد، چنان‌که بسیاری از فقهای معاصر معتقدند: «از بین بردن نطفه بعد از استقرار آن در رحم و همچنین سقط جنین در هیچ یک از مراحل بعدی جایز نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴: ۳۰۱؛ تبریزی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۳۳۲؛ سیستانی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۱۱۶-۱۱۵). برخی محققان نیز معتقدند در حرام‌بودن سقط جنین، حتی قبل از ولوج روح، هیچ اختلاف نظری وجود ندارد (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳، ج ۵: ۳۹۴). این دسته از فتواها و نتیجه تحقیقات محققان، افزون بر برخورداری از مبانی و منابع متقن دینی و فقهی، به دلیل برخورداری از مبانی ارزش ذاتی و کرامت هستی‌شناختی انسان است که جنین متجلی آن است و این می‌تواند پاسخی باشد برای کسانی که جنین را در مراحل اولیه دارای حیات و استقلال نمی‌دانند (شیروی، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

ب. برخورداری جنین از مراتب تشکیکی

از قرآن کریم استنتاج می‌شود که جنین، از مبدأ تا منتها که به انسان کامل و بالفعل تبدیل می‌شود، مراتب تشکیکی دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳: ۲۰۴، ۲۶۵؛ سبزواری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۶۴۹)، چنان‌که می‌فرماید:

ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ؛ سپس او را نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم. آنگاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم. پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم، و آنگاه مضغه را استخوان‌هایی ساختیم، بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشانیدیم، آنگاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آوردیم. آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است (مؤمنون: ۱۳-۱۴).

در این آیه برای جنین شش مرتبه در نظر گرفته شده است: ۱. «نطفه» که جز آب و مایع چیز دیگری نیست؛ ۲. «علقه» که همان خون بسته‌شده است؛ ۳. «مضغه» که همانند گوشت کوبیده‌شده است؛ ۴. «عظام» که در اینجا استخوان شکل می‌گیرد؛ ۵. «لحم» که در این مرتبه

بر استخوان گوشت می‌روید. هر یک از این مراتب پنج‌گانه به‌ترتیب مرتبه‌ای از جنین را شکل می‌دهند تا اینکه نوبت به مرتبه ششم می‌رسد که قرآن با گزاره «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» به آن می‌پردازد. در این مرتبه جنین در حرکتش به اوج و اعلی‌مراتب خود می‌رسد. از نگاه بسیاری از حکما و مفسران، این مرتبه، همان مرتبه‌ای است که جنین «حیات انسانی» به خود می‌گیرد و خداوند به خودش تبریک می‌گوید (ابن‌عربی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۶۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۳۶۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۲۱-۲۲). با توجه به این رتبه‌بندی می‌توان دریافت که جنین از حیث انسان‌بودن مقول به تشکیک و به عبارت دیگر دارای مراتب تشکیکی و شدت و ضعف است. به این معنا که هر مرتبه از جنین افزون بر برخورداری حظ وجودی از مرتبه قبلی، دارای حظ وجودی دیگری نیز هست. تا اینکه نوبت به مرتبه ولوج روح می‌رسد. در این مرتبه با دمیده‌شدن روح، جنین به انسان تبدیل می‌شود و به مقام انسانی نائل می‌آید. بنابراین، دیه‌ای که فقها برای هر مرتبه از جنین در نظر می‌گیرند (نجفی، بی‌تا، ج ۴۳: ۳۵۶) با شدت و ضعف و تشکیک رتبی یادشده همخوانی دارد و با صرف نظر از مبانی فقهی و ادله شرعی، اگر بهره و حظ انسانی برای هر مرتبه از جنین در نظر گرفته نشود، تعیین دیه برای هر یک از مراتب شاید توجیه عقلانی نداشته باشد؛ زیرا دیه مربوط به انسان است و در اموری همچون جنایت بر نفس انسان، جنایت بر بدن انسان، جنایت بر جنین انسان یا جنایت بر جنازه انسان تعلق می‌گیرد که همه اینها به سبب کرامت هستی‌شناختی است که موجود انسان از آن بهره‌مند است.

افزون بر آنچه گذشت، برخورداری از هر یک از مراتب جنین از انسانیت را می‌توان از پاسخ امام صادق علیه السلام به پرسش مفضل فهمید. مفضل مراتب رشد بدن انسان از حالتی به حالت دیگر از امام می‌پرسد و امام نیز در پاسخ می‌فرماید: «أَوَّلُ ذَلِكَ تَصْوِيرُ الْجَنِينِ فِي الرَّحْمِ حَيْثُ لَا تَرَاهُ عَيْنٌ وَلَا تَنَالُهُ يَدٌ» (عمر، بی‌تا: ۵۷-۵۸)؛ اولین [نشانه] رشد انسان تصویر جنین در جایی است که دیده نمی‌شود و دستی بدان نمی‌رسد». کلام امام صادق علیه السلام اشاره به این دارد که یکی از مراتب رشد بدن انسان، شکل‌گیری و تصویر جنین در رحم مادر است. بنا بر آنچه گذشت، می‌توان دریافت که وجود جنین انسان در شکم مادر از ابتدا تا انتها، دارای مراتب تشکیکی است و هر مرتبه از آن به حسب وجودش دارای حظی از انسانیت است (آرامش، ۱۳۹۰: ۵۷-۵۸) و از کلام معصوم علیه السلام نیز

می‌توان همین نتیجه را استنتاج کرد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۳۴۲-۳۴۳). بنابراین، فرضیه انسان‌انگاری جنین، اثبات‌پذیر و قابل دفاع است.

۳. کرامت هستی‌شناختی انسان

پس از اثبات فرضیه انسان‌انگاری جنین انسان، باید به این نکته پردازیم که کرامت و بزرگ‌داشتن انسان، تکوینی است و نشان‌دهنده آن است که انسان از نظر وجودی و هستی‌شناختی برجستگی خاصی دارد که دیگر موجودات از آن بی‌بهره‌اند. مقصود از کرامت هستی‌شناختی آن است که انسان طوری آفریده شده که در مقایسه با دیگر موجودات، امتیازها و برتری‌هایی دارد که در ذات و وجودش نهفته، و او در کسب آنها هیچ نقشی نداشته، و این حاکی از عنایات خداوند متعال است. بر این اساس، برتری و کمال ذاتی انسان معنای ارزشی ندارد و نمی‌توان گفت این انسان نسبت به انسان‌های دیگر برتری دارد، بلکه در اینجا به مراتب وجود توجه می‌شود. مثلاً در مقایسه نبات و جماد، آن دو در حجم، وزن، مقاومت و ... اشتراک دارند، اما نبات چیز بیشتری دارد که در جماد نیست و آن تولید مثل و نیز رشد و نمو است؛ از این لحاظ می‌توان گفت نبات کامل‌تر از جماد است. همچنین، حیوان نسبت به نبات دارای کمال «حرکت ارادی» و «درک» است که در نبات نیست (مصباح یزدی: ۱۳۷۳: ۳۶۹).

مقایسه انسان با دیگر موجودات نیز به همین صورت است. بدین معنا که انسان نسبت به دیگر موجودات از کمالات بیشتری، همچون عقل، قدرت تکلم و ... برخوردار است. بر این اساس، وقتی قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰) در مقام مقایسه با سایر آفریده‌ها چیزهایی را ذکر می‌کند که ارزش اخلاقی ندارد، بلکه یک سلسله نعمت‌ها را بیان می‌کند که به انسان داده و به موجودات دیگر نداده است. در نتیجه، انسان بهره وجودی بیشتری دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۳: ۳۷۰). از این رو، هیچ کس نمی‌تواند به سبب آن، بر موجودات دیگر فخرفروشی کند، بلکه باید خدا را برای چنین نعمت‌هایی ستود، چنان‌که خداوند متعال وقتی مراتب خلقت انسان را در شکم مادرش به بالاترین مرتبه رساند، فرمود: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴)؛ «آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است».

۴. لوازم کرامت هستی‌شناختی انسان

وقتی خداوند انسان را صاحب کرامت و همراه با ارزش ذاتی و فطری خلق کرده است، به طور طبیعی این کرامت لوازم بسیار به همراه دارد که بدون در نظر گرفتن آنها کرامت معنا نخواهد داشت. به نمونه‌هایی از آنها که مرتبط با بحث این مقاله است اشاره می‌کنیم.

الف. حق حیات: «حیات» در لغت به معنای زیستن است. قوشجی با بیان دیدگاه حکما و متکلمان، حیات را صفتی معرفی می‌کند که برآیندش علم و قدرت است (قوشجی، ۱۰۶۴: ۳۱۴). طباطبایی نیز معنای مشابه همین معنا را برمی‌گزیند و می‌گوید: «کون الشیء بحیث یدرک و یفعل» (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۳۰۶)؛ «بودن چیزی که درک کند و فعالیت انجام دهد». از آنجایی که انسان مخلوق برگزیده خدا است و از کرامت و ارزش ذاتی برخوردار است، به طور طبیعی در مقایسه با سایر مخلوقات از سلسله حقوق و مزایایی برخوردار است که آنها برخوردار نیستند. یکی از آن حقوق، حق حیات و زیستن است. بنابراین، حق حیات و زیستن به این معنا است که انسان حق ذاتی و بالاصاله بر زیستن دارد و کسی نمی‌تواند وی را از این حق محروم کند. از آنجایی که دیگر حقوق انسان متوقف بر زنده‌بودن و حیات انسان است، پس حق حیات دارای اهمیت فوق‌العاده و جدی است و بر سایر حقوق تقدم رتبی دارد؛ زیرا فقدان آن، فقدان دیگر حقوق را در پی خواهد داشت. حق زیستن و حیات‌داشتن از گزاره‌هایی است که در مقابل مقوله‌ای همچون سقط جنین مطرح می‌شود، از حیث اینکه جنین از کرامت انسانی برخوردار، و دارای نفس محترمه است؛ و این پرسش در ذهن تداعی می‌شود که: آیا سقط جنین نقض حق حیات و حق زیستن انسان نیست؟ طبیعی است که با اثبات فرضیه انسان‌انگاری جنین و برخورداری‌اش از نفس محترمه و کرامت ذاتی و هستی‌شناختی، سقطش موجب تزییع حق حیات وی می‌شود. همچنین، موجب می‌شود جنین نتواند به حیات خود ادامه دهد. قرآن کریم نیز در دفاع از حق حیات انسان، قتل صاحب نفس محترمه را نهی می‌کند و می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (اسراء: ۳۳)، «و هرگز نفس محترمی که خدا قتلش را حرام کرده نکشید، مگر آنکه مستحق قتل گردد». در فقه اسلامی نیز حق حیات جنین چنین جلوه‌گر است که اگر مادر بارداری از دنیا برود، باید شکمش شکافته شود تا جنین از هلاکت نجات یابد (حلی، ۱۴۱۴، ج: ۲، ۱۱۳؛ نجفی، بی‌تا، ج: ۴، ۳۷۷).

ب. حق سلامت: یکی از لوازم کرامت جنین انسان، حق سلامتی جنین است. به این معنا که کرامت هستی‌شناختی انسان که از افعال خدا است افزون بر اینکه مقتضای حق حیات است، از مقتضیات و لوازم دیگرش سالم نگه‌داشتن آن در مراحل زیستی، از جمله در شکم مادر است؛ زیرا حمایت و دفاع از حقوق خدادادی جنین که از لوازم کرامت الهی محسوب می‌شود، منحصر در حمایت از حق حیات از طریق ممنوعیت سقط جنین یا سایر اعمالی نیست که منجر به سلب حیات از آن می‌شود، بلکه حمایت از حق سلامت جنین را نیز شامل می‌شود؛ یعنی ممنوع‌شمردن هر گونه رفتاری که موجب آسیب و صدمه به جسم و روان جنین شده و به عنوان عامل خطر برای سلامت او محسوب می‌شود و فراهم کردن امکانات و زمینه‌هایی که جنین در پناه آن، چه در دوران جنینی و چه در حین تولد، زندگی سالم و دور از هر گونه نقص و معلولیتی داشته باشد. با این اوصاف، می‌توان دریافت که راز لزوم سلامت جنین، کرامت هستی‌شناختی است که خدا به جنین انسان ارزانی داشته است.

نتیجه

با توجه به آنچه گذشت:

۱. جنین انسان از حیث اینکه از ابتدای انعقادش با نفس همراه است، حیات انسانی دارد.
۲. وجود جنین انسان مقول به تشکیک است. به این معنا که دارای مراتب تشکیکی است و هر مرتبه از آن دارای حظی از وجود انسان است. لذا جنین انسان از برخی خصوصیات انسان نیز برخوردار است.
۳. از آنجایی که جنین انسان، انسان است، از کرامت ذاتی و هستی‌شناختی انسان بهره‌مند است.
۴. وقتی جنین انسان از کرامت هستی‌شناختی بهره‌مند شد، باید از لوازمش مانند حق حیات و حق نگهداری و مواظبت نیز برخوردار باشد. لذا سقط جنین و کوتاهی در نگهداری صحیح از آن با حق حیات در تناقض است و با کرامت هستی‌شناختی انسان نیز همخوانی ندارد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸)، *جمهره اللغه*، بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱)، *المحکم والمحیط الاعظم*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۱)، *رساله النفس*، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- ابن عربی، محمد بن علی (۱۴۲۲)، *تفسیر ابن عربی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- آرامش، کیارش (۱۳۹۰)، «کرامت انسان در بعد زیست پزشکی»، در: *اخلاق و تاریخ پزشکی*، دوره ۴، ش ۳، ص ۴۷-۶۱.
- پریور، کاظم (۱۳۷۸)، *جنین‌شناسی*، بی‌جا: مبتکران.
- تبریزی، میرزا جواد آقا (۱۴۲۲)، *صراط النجاة*، قم: دار الصدیقه الشهیده.
- الجبعی العاملی (شهید ثانی)، زین الدین (۱۴۱۰)، *الروضه البهیة*، قم: داوری.
- جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳)، *موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت*، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام.
- جناتی، محمدابراهیم (۱۳۸۲)، *توضیح المسائل*، قم: انصاریان.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶)، *الصحاح*، بیروت: دار العلم.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴)، *تذکره الفقهاء*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام.
- حیدری، محمد (۱۳۸۱)، *معجم الافعال المتداوله*، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۴)، *اجوبه الاستفتاءات*، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم.
- سبزواری، ملاحادی (۱۳۸۳)، *اسرار الحکم*، قم: مطبوعات دینی.
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی (۱۳۷۳)، *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیستانی، سید علی (۱۴۱۵)، *منهاج الصالحین*، قم: مکتبه آیه الله سیستانی.
- سیوری، مقداد بن عبد الله (۱۴۰۵)، *التنقیح الرائع لمختصر الشرایع*، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.

- شیروی، مهسا (۱۳۸۹)، «لزوم حفظ کرامت زیستی جنین آزمایشگاهی در پرتو اسناد اخلاق زیستی»، در: *اخلاق پزشکی*، س ۴، ش ۱۱، ص ۱۳۵-۱۶۶.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (بی تا الف)، *مفاتیح الغیب*، بی جا: مؤسسه تحقیقات فرهنگی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (بی تا ب)، *الشواهد الربوبیه*، بی جا: مرکز الجامعی للنشر.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۴)، *نهایة الحکمه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.
- علی‌زاده، عیسی؛ غریبی، احمد (۱۳۹۷)، «مطالعه تطبیقی حق حیات جنین در اسلام و غرب»، در: *تحقیقات حقوقی*، دوره ۲۱، ش ۸۳، ص ۳۰۹-۳۲۸.
- عمر، مفضل (بی تا)، *توحید المفضل*، قم: داوری.
- عمید، حسن (۱۳۶۴)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: امیرکبیر.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، *تفسیر کبیر*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، *العین*، قم: هجرت.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵)، *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر.
- قوشچی، علی بن محمد (۱۰۶۴)، *شرح تجرید الاعتقاد*، بی جا: بی نا.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، *اصول کافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- لاریجانی، باقر (۱۳۸۳)، *پزشک و ملاحظات اخلاقی*، تهران: برای فردا.
- لاریجانی، باقر؛ و دیگران (۱۳۹۳)، «نگاه فلسفی به عاقبت جنین ناهنجار از منظر ملاصدرا»، در: *اخلاق و تاریخ پزشکی*، دوره هفتم، ش ۵، ص ۳۶-۴۹.
- مدکور، محمد سلام (۱۳۸۹)، *الجنین والاحکام المتعلقة به فی الفقه الاسلامی*، قاهره: بی نا.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۳)، *معارف قرآن*، قم: مؤسسه در راه حق.
- نجفی، محمد حسن (بی تا)، *جواهر الکلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ویسیک، جن (۱۳۷۳)، *رضایت خاموش: مواردی در زمینه اخلاق پزشکی مدرن*، ترجمه: ناصر بلیغ، تهران.